آداب باطنی تلاوت‏ قرآن

اشاره:تلاوت قرآن کریم،مانند همه عبادات اسلامی،دارای آدابی‏ خاص است و در تلاوت این کتاب آسمانی بایستی آن آداب را که شامل‏ آداب ظاهری و باطنی است،رعایت نمود.

مسائلی از قبیل:نحوه آغاز و انجام تلاوت،مقدار قرائت،کتابت‏ قرآن،تلاوت از روی مصحف و قرائت با صدای خوش از آداب ظاهری‏ است و مسائلی همچون فهم آیات،حضور قلب،تدبر در معانی،آموختن‏ و یاد سپاری از آداب باطنی بشمار می‏آید.در این مختصر به بیان آداب‏ باطنی تلاوت قرآن کریم می‏پردازیم و طالبان تفصیل را به کتب مربوطه و از جمله المحجة البیضاء،تألیف عالم فرزانه مرحوم مولی محسن فیض‏ کاشانی،جلد دوم،صفحات 234 تا 264 ارجاع می‏دهیم.

بعضی از مردم به خاطر اینکه شیطان پرده‏هایی بر فهم آنان‏ افکنده است،از فهم معانی قرآن محروم و از درک اسرار و شگفتی‏های آن بی‏بهره‏اند.

**ادب اول:آموختن و یادسپاری**

قاری قرآن بایستی کلام الهی را درس بگیرد و بیاموزد و به قرائت آن‏ اکتفا نکند.چنانکه در سوره اعراف آیه 169 آمده است:و در سوا ما فیه‏ یعنی کلام الهی را فراگرفتند.

همچنین قاری قرآن بایستی آیات الهی را با گوش جان بشنود و آن را به خاطر بسپارد.چنانکه در سوره حاقه آیه 12 آمده است:

(و تعیها اذن‏ و ادعیه)

یعنی قرآن کریم را گوش‏های حافظ به یاد می‏سپارند.

**ادب دوم:فهم آیات**

قاری قرآن باید بداند که غرض از تلاوت آیات،فهمیدن معانی این‏ کتاب الهی است.و بر زبان جاری کردن الفاظ آن کفایت نمی‏کند.

اصولا الفاظ مانند پوست و معانی مانند مغز است و معلوم است که‏ پوست و لفظ برای صیانت مغز و معنی است.هرچند ظاهر الفاظ قرآن‏ کریم نیز معجزه است.علی-علیه السلام-فرمود:قرآن کریم ظاهرش‏ شگفت و باطنش عمیق است.اما اگر معانی آیات قرآن کریم فهم شود، شور و نشاط زاید الوصفی در قاری حاصل می‏گردد.

می‏گویند در قرآن کریم میدانها و بستانها و خانه‏های رفیع و نوعروسان‏ و دیباها و باغها و سراها وجود دارد.

میدانهای آن«آلم»ها و بستانهای آن«آلر»ها و خانه‏های آن«الحمد»ها و عروسهای آن«مسبحات»و دیباهای آن«حم»ها و باغهای آن«سوره‏های‏ کوتاه»و بقیه سوره‏ها سراهای قرآن کریم می‏باشد.

تلاوت‏کننده قرآن،هنگامی که وارد میدان‏ها می‏شود،میوه از بستان‏ها می‏چیند،وارد خانه‏های وسیع می‏گردد،به تماشای نوعروسان می‏نشیند، لباس‏های دیبا به تن می‏کند،به گردش و تفرج در باغها می‏پردازد و در سراهای آن سکونت می‏نماید و غرق در خوشی‏ها می‏شود.

آری فهم آیات قرآن کریم،زمینه برخورداری از مواهب الهی است.

**ادب سوم:تعظیم**

قاری قرآن،هنگام تلاوت قرآن،باید عظمت گوینده آن را در نظر آورد و بداند که قرآن کلام خداست و تلاوت کلام او بس عظیم و خطیر است.

خداوند خود می‏فرماید:

«لا یمسه الا المطهرون»

واقعه/79

-آن را جز پاکان مس نکنند.

همانگونه که ظاهر جلد و اوراق این کتاب الهی باید از مس کردن‏ ناپاک محفوظ بماند،معنی قرآن نیز به حکم جلالت و عزت خود،از درون‏ دل و قلب انسانها محجوب است،مگر آنکه قلب از پلیدیها پالایش شد باشد و از نور تعظیم و تکریم روشنایی گیرد.و چنانکه هر دستی صلاحیت‏ تماس با ظواهر قرآن را ندارد،برای تلاوت آن نیز هر زبانی را لیاقت آن‏ نیست و برای سیر در ژرفای معانی آن،هر قلبی آمادگی ندارد.

بنابراین قاری قرآن کریم،بایستی عظمت پرودگار جهانیان و کلام او را در هنگام تلاوت در خاطر داشته باشد.

**ادب چهارم:حضور قلب**

حضور قلب از وصف پیشین سرچشمه می‏گیرد،زیرا تعظیم کلامی‏ که قرائت می‏شود،موجب شادابی و انس با آن کلام می‏شود و غفلت را از دل می‏زداید.پس قرآن،مایه انس قلبی است و اگر کسی اهل انس‏ باشد،اندیشه خود را در چیز دیگری مصروف نمی‏دارد و این تمرکز اندیشه و همت،سبب شادی و انبساط خاطر می‏گردد.

می‏گویند معنا و تفسیر

(یا یحیی خذا لکتاب بقوة)

«مریم/12»این‏ است که-کتاب را به کوشش و سعی بگیر-یعنی اینکه در هنگام تلاوت‏ آن،خود را از تمامی افکار خالی کن و همت را به آن مصروف‏دار.

**ادب پنجم:تدبر در معانی**

تدبر از حضور قلب بالاتر است زیرا ممکن است برای قاری قرآن‏ حضور قلب باشد و در غیر قرآن نیاندیشد،در عین حال به شنیدن قرآن‏ از زبان خود اکتفا نماید.می‏دانیم که مقصود از قرائت قرآن،تدبر و تفکر در آن است و لذا ترتیل،سنت و مستحب می‏باشد که از آداب ظاهری‏ قرائت است و همین ترتیل،امکان می‏دهد که قاری در باطن قرآن تدبر نماید.حضرت علی علیه السلام فرمود:

(لا خیر فی عبادة لا فقه فیها و لا فی قراءة لا تدبر فیها)

-عبادتی که تفقه و قرائتی که تدبر نداشته باشد،خیری ندارد.

قرآن کریم در آیات کریمه خود،هدف از نزول کتاب الهی را تدبر و تعمق و تفکر خلایق می‏خواند.مثلا در آیه 219 سوره بقره می‏خوانیم:

خداوند آیات را برای شما بیان می‏کند شاید که شما تفکر کنید.و در آیه 2 سوره یوسف آمده است ما قرآن به زبان عربی فرو فرستادیم شاید که‏ شما تعقل کنید.و در سوره انعام آیه 65 نازل شده:بنگر چگونه آیات را بیان می‏کنیم شاید که شما تفقه کنید.و در سوره محمد آیه 29 می‏خوانیم:

آیا در قرآن تدبر نمی‏کنند؟

بنابراین تدبر در معانی قرآن کریم از آداب مهم تلاوت کلام الهی است.

**ادب ششم:رفع موانع**

بعضی از مردم به خاطر اینکه شیطان پرده‏هایی بر فهم آنان افکنده‏ است،از فهم معانی قرآن محروم و از درک اسرار و شگفتی‏های آن‏ بی‏بهره‏اند.قاری قرآن بایستی در رفع موانع و حجب شیطانی بکوشد.

موانع مورد بحث چهار حجاب است:

**حجاب اول:**

اینکه همه همت قاری صرف اداء حروف از مخارج گردد و این کار به عهده شیطانی است که موکل بر قرآن شده تا با وسوسه،مردم را از درک معانی کلام الهی باز دارد و مردم را وادارد که در اداء حروف‏ تردید نمایند.

**حجاب دوم:**

اینکه تلاوت‏کننده،در مسایل،مقلد نظریه‏ای باشد که به تقلید آن را یاد گرفته و نسبت به آن جمود و تعصب داشته باشد.این‏چنین اعتقاد و تعصب مانع از ارتقاء است و به او اجازه نمی‏دهد که غیراز مورد اعتقادش‏ به مطلبی بیاندیشد.

**حجاب سوم:**

این است که قاری قرآن،بر گناهی اصرار ورزد و یا متکبر و یا مبیتلا به هوای نفس باشد.این گناهان سبب تاریکی دل می‏گردد و مانند غبار بر آیینه قلب نشسته،از تجلی حق جلوگیری می‏کند و این،بزرگترین حجاب‏ دل است و بیشتر مردم به این حجاب محجوبند.

**حجاب چهارم:**

این است که کسی تفسیر ظاهری آیه را بخواند و بپندارد که کلمات‏ قرآن در معانی خود منحصر به آن است که از ابن عباس و مجاهد و امثال‏ آنها نقل شده و بقیه،تفسیر به رأی است و این خود از حجابهای بزرگ‏ فهم قرآن است.

**ادب هفتم:تخصیص**

تخصیص یعنی اینکه تلاوت‏کننده قرآن در نظر بگیرد که مقصود از هر خطاب قرآن،خود اوست پس اگر نهی یا امری را در قرآن می‏خواند یا وعده و وعیدی را می‏شنود،خود را مخاطب بداند و اگر داستانهای‏ انبیاء و اقوام گذشته را قرائت کند آنها را به منزله داستانهای افسانه‏ای، تلقی نکند بلکه بداند که مقصود از آنها عبرت است و قاری بایستی از لابه‏لای آنها آنچه را موردنیاز می‏باشد بردارد.در قرآن کریم می‏خوانیم:

(و لقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر)

سوره قمر/22 یعنی ما قرآن را برای پند گرفتن آسان ساختیم،پس آیا پند گیرنده‏ای هست؟

**ادب هشتم:تأثیر**

تأثیر اینست که قرائت‏کننده قرآن،از آیات گوناگون کلام الهی متأثر شود و به حسب مضمون هر آیه،حالت حزن‏واندوه و یا نشاط و شادی‏ برایش حاصل گردد.چنانکه پیامبر اکرم-صلی الله علیه و آله-خود از آیات الهی متأثر بود.

در حدیثی آمده است که رسول اکرم به ابن مسعود فرمود:برایم‏ قرآن بخوان.می‏گوید سورهء نساء را گشودم و همین‏که به آیهء

(فکیف اذا جئنا من کل امه بشهید و جئنا بک علی هؤلاء شهیدا)

رسیدم،دیدم‏ چشمان مبارکش پر از اشک است و فرمود:دیگر بس است.

پس قاری قرآن بایستی به پیامبر اکرم تأسی نموده و از آیات الهی اثر پذیرد.

**ادب نهم:ترقی**

ترقی یعنی اینکه خوانندهء قرآن به مرحله‏ای ارتقاء یابد که گویا کلام را از خداوند می‏شنود.قرائت سه درجه دارد،پایین‏ترین آن اینست که‏ قاری آن را بر خدا می‏خواند و خود را در برابر او می‏بیند،در این مرتبه‏ حال او،حالت درخواست و تضرّع و گریه و زاری خواهد بود.

درجه فراتر اینکه تلاوت کننده با قلب خود شهادت می‏دهد که پروردگار با الطافش او را مخاطب ساخته و مشمول نعمات خود قرار داده است.

در این مرحله،مقام قاری،مقام حیا و تعظیم و گوش کردن و فهم است.

درجه سوم اینکه در کلام،متکلم،و در کلمات،صفات او را ببیند و لذا به خود و قرائت خود ننگرد و تنها همت او،گویندهء این کلمات باشد و اندیشه‏اش را متوجه او کند گویا که مستغرق در دیدار گوینده است نه به‏ قرائت و حتی نه به نعمت و شکر منعم.این درجه مقربان است و پیش از آن،درجات اصحاب یمین،و بیرون از آن درجهء غافلان.در وصف درجهء مقربین امام صادق علیه السلام می‏فرماید:

(و الله لقد تجلی الله لخلقه فی‏ کلامه و لکن لا یبصرون).

به خدا قسم،خداوند در کلام خود،تجلی نموده ولی آنان نمی‏بینند.

**ادب دهم:تبرّی**

تبرّی آن است که تلاوت‏کننده قرآن،در هنگام قرائت از نیرو و توان و توجّه خود،دوری نماید و با چشم خشنودی و تزکیه به خود ننگرد و هنگامی که آیات بهشت و مدح صالحان را می‏خواند به خود تطبیق ندهد، بلکه برای اهل یقین و صدّیقین گواهی دهد و ابراز اشتیاق نماید که به آنان‏ بپیوندد و زمانی که آیهء غضب و مذمت گناهکاران و مقصران را می‏خواند به خود تطبیق دهد و در خشیت و خوف،خود را مخاطب سازد و به‏ همین نکته امیر مؤمنان علیه السلام در خطبه متقین اشاره فرموده در آنجا که می‏فرماید:

(اذا مروا بایه تخویف أصغوا الیها مسامع قلوبهم،و ظنوا ان زفیر جهنم فی اذانهم):

هنگامی که به آیه‏ای برمی‏خورند که در آن ذکر تخویف‏ است،با گوش قلب آن را می‏شنوند و چنین می‏اندیشند که صدای آتش‏ جهنم در گوشهایشان است.

خداوند ما را از فواید معنوی آداب باطنی تلاوت قرآن کریم برخوردار بگرداند.بمنه و کرمه.